

# سیری در تحولات آموزش زبان انگلیسی برای اهداف ویژه (ESP)

دکتر قدرت حاجی رستم‌لو

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

## چکیده

آموزش زبان انگلیسی برای اهداف ویژه (ESP) که در محافل دانشگاهی ما به زبان انگلیسی تخصصی معروف می‌باشد، مقوله‌ای است که در نیمه دوم قرن بیستم تحت تأثیر پیشرفتهای علمی و فنی دنیای غرب، تحولات در علم زبان‌شناسی و دگرگونیهای به وجود آمده در روانشناسی آموزشی پا به عرصه گذاشت. در طول تقریباً نیم قرن حیات، این موضوع درسی تغییر و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است؛ به طوری که امروزه از نسل چهارم آموزش ESP صحبت می‌شود. در کشور ما نیز بعد از انقلاب فرهنگی حرکت‌هایی برای بومی‌سازی این موضوع آغاز گردید. این فعالیتها اگرچه در آغاز خیلی امیدوارکننده به نظر می‌رسید، ولی در نهایت سرانجام خیلی قابل قبولی پیدا نکرد. بررسیها نشان می‌دهد که عدم وجود مطالب آموزشی مناسب و دخالت ندادن متخصصان امر در تهیه مطالب آموزشی مربوط و تدریس آنها بر مشکلات موجود بیشتر دامن می‌زند و این موضوع به طور جدی توجه افراد دست‌اندرکار را می‌طلبد.

کلید واژه‌ها: انگلیسی برای اهداف ویژه، ESP، EOP، تجزیه و تحلیل کلام، افعال ارتباطی زبان، ماهیت زبان.

## مقدمه

امروزه در نظام آموزش عالی ما تقریباً تمام رشته های تحصیلی در دوره های کاردانی و کارشناسی، دربرگیرنده چند واحد درسی «<sup>1</sup> ESP» می باشد که البته این دروس بیشتر با عنوان زبان تخصصی شناخته می شود. ضرورت توجه به این عنوان درسی را پیشرفتهای علمی گسترده ای ایجاب کرد که در نیمه دوم قرن بیستم در سطح دنیا و در کشور ما حاصل شد و یقیناً هدف برنامه ریزان آموزش عالی برای گنجاندن این موضوع در برنامه های درسی دوره های کاردانی و کارشناسی، کمک به کسب مهارتهای لازم برای وارد شدن و استفاده بهینه از متون زبان انگلیسی مربوط به رشته های مختلف درسی بوده است. حال چقدر این واحدهای درسی برای تحقق این هدف کمک می کنند، سؤالی است که شاید مقاله حاضر تا حدی بدان پاسخ دهد.

## علل پیدایش ESP

گفته می شود سه تحول عمده مربوط به قرن بیستم، موجبات پیدایش موضوعی به نام ESP را فراهم آورده است. شاید مهمترین این عوامل، پیشرفتهای عظیمی بود که در زمینه های علم، فناوری و اقتصاد به وقوع پیوست. در میان کشورهایی که بستر این تحولات بودند، ایالات متحده - مخصوصاً از نظر قدرت اقتصادی - نقش بسیار پررنگی داشت. وجود این شرایط، به وجود آمدن احساس نیاز به یادگیری زبان انگلیسی، بویژه انگلیسی تخصصی را باعث شد تا دسترسی به منابع علمی و فنی

غرب، بویژه آمریکا میسر گردد. همراه شدن این موضوع با عواملی مانند اهمیت وقت و منابع مالی موجب شد که دوره های آموزش زبان انگلیسی با جهت گیری و هدف مشخص تدوین گردد.

عامل دوم تأثیر گذار در پیدایش مقوله ESP، دگرگونیهای به وجود آمده در علم زبانشناسی بوده است. تلاش زبانشناسی قدیم بر توصیف ویژگیهای ظاهری زبان استوار بود و برای زبانشناسان سنتی اهداف کاربردی زبان<sup>۱</sup> آنچنان اهمیتی نداشت. به دنبال متحول شدن زبانشناسی، اهداف کاربردی و نقش ارتباطی زبان توجه محققان را به خود جلب کرد. این موضوع در کنار پدیده تأثیر پذیری که زبان از موقعیتهای مختلف مورد استفاده در آن دارد، توجه به ESP را به طور جدی قوت بخشید؛ زیرا EPS اولاً یک نوع جهت گیری کاربردی زبان را مطرح می کرد و ثانیاً کاربردهای مختلف زبان را در موقعیتهای آموزشی گوناگون دنبال می نمود.

بالاخره شاید بتوان دگرگونیهای به عمل آمده در روانشناسی آموزشی را به عنوان عامل سوم مؤثر در پیدایش ESP ذکر کرد. از جمله دستاوردهای این تحولات توجه به نقش بسیار مهم فراگیران در فرایند یادگیری بود. این موضوع براحتی می توانست موجبات پیدایش ESP را که همواره داعیه توجه به نیازها و علایق آموزشی فراگیران را داشته است، فراهم بیاورد.

### ظهور و مراحل پیشرفت ESP

شاید بتوان دهه ۱۹۶۰ را نقطه ظهور پدیده ESP در نظر گرفت. اولین کسانی که در این زمان، آموزش زبان برای اهداف ویژه را مطرح ساختند، بر این باور بودند که

مطالعه متون زبان انگلیسی مربوط به رشته های مختلف علمی و فنی توسط فراگیران می تواند آنها را به کسب دانش زبانی لازم در حوزه های کاری و آموزشی رهنمون سازد. براساس این تفکر، اولین دوره های آموزشی ESP با گزینش و استفاده از متون مربوط به رشته های مختلف طراحی گردید. عواملی همچون هدفمند نبودن و عدم وجود تمرینات و فعالیتهای آموزشی، تدریس این دوره های آموزشی را به طور جدی دچار مشکل ساخت و از این رو، محققان و طراحان دوره های درسی ESP به فکر ایجاد تغییرات لازم در آنها افتادند و به این ترتیب نسل دوم دوره های آموزشی ESP رقم خورد.

اندیشه حاکم بر طراحی مجموعه های آموزشی ESP در این مرحله، توجه جدی به مؤلفه های واژه و ساختار دستوری بود. طرفداران این حرکت بر آن بودند که با استخراج و آموزش دادن سیاهه ای از واژه های تخصصی و ساختارهای دستوری پرکاربردی مثل ساختار مجهول، اهداف آموزشی ESP را تحقق ببخشند. آنچه مجموعه های آموزشی طراحی شده در این دوره را با دوره قبل متمایز می ساخت، برجسته نمایی مؤلفه های واژه و ساختار بود و اساساً نگرش جدید برای رفع مشکلات تفکر قبلی هیچ گونه تدبیری نیندیشده بود و به همین دلیل دوره های آموزشی طراحی شده براساس محوریت واژه و ساختار دستوری نتوانستند فراگیران دروس ESP را به کسب مهارتهای لازم رهنمون سازند.

باکنار رفتن اندیشه نسل دوم، شیوه تجزیه و تحلیل کلام<sup>۱</sup> براساس نظریه هالیدی<sup>۲</sup> و دیگران مبنای تحقیقات مربوط به آموزش ESP گردید. طرفداران این نگرش

تأکید داشتند که توجه صرف به ویژگیهای ظاهری زبان، مثل واژه و ساختار دستوری می تواند کاربران زبان را از پرداختن به ارزشهای ارتباطی آن باز دارد و به این ترتیب، نسل سوم ESP با پذیرفتن محوریت افعال ارتباطی<sup>۱</sup> در طراحی مطالب آموزشی ESP پا به عرصه گذاشت. طرفداران این نظریه تلاش می کردند مهمترین و مرتبط ترین افعال ارتباطی زبان، مانند توصیف، تعریف، طبقه بندی و غیره را که بیشتر در تحقیقات مربوط به تجزیه و تحلیل کلام شناسایی شده بود، مبنای طراحی دروس ESP استفاده کنند. با توجه به اینکه این طرز تلقی از آموزش ESP همانند نگرشهای پیشین، برنامه ای برای آموزش کلیت زبان نداشت و در واقع جزءنگری از نوع دیگری را نسبت به آموزش زبان دنبال می کرد، بعدها اساس آن مورد حمله قرار گرفت؛ به عنوان مثال: رابینسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) در تحلیلی واقع بینانه می گوید: اساساً دو مؤلفه هدف خاص و ماهیت نیازهای زبانی فراگیران، تعیین کننده شکل و چهارچوب دوره های آموزشی ESP می باشد و نگرش تجزیه و تحلیل کلامی، این دو را در اهداف کاربردی و یا افعال ارتباطی زبان خلاصه می کند؛ حال آنکه شاید با اندک توجهی بتوان نتیجه گیری کرد که فراگیری تعدادی - هر چند بیشتر - از اهداف کاربردی زبان نمی تواند قابلیت لازم را برای استفاده حرفه ای از آن ایجاد نماید.

نظریات ابتکاری ویدئوسن<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) در زبانشناسی کاربردی، مبنای اندیشه های نوین ویا نسل چهارم تحقیقات مربوط به آموزش ESP را پایه ریزی کرد. مدل انقلابی ویدئوسن دارای دو کلید واژه می باشد که شاید بدون درک آنها نتوان وارد

بررسی این نظریه شد. این دو کلید واژه، هدفگیری<sup>۱</sup> و ماهیت کاربرد زبان<sup>۲</sup> می باشد که در اینجا به اختصار توضیح آنها می پردازیم.

در این نظریه آرمانگرایانه، هدف یادگیری برخلاف نظریه های قبلی براساس کسب یک سری مهارتهای مشخص و محدود، مانند تسلط پیدا کردن بر افعال ارتباطی زبان - که در نظریه تجزیه و تحلیل کلام به آنها پرداخته می شد - تعریف نمی شود. از آنجا که ویدئوسن ESP را از EOP<sup>۳</sup> کاملاً متمایز می داند، از نظر ایشان این نوع جهت گیری و هدف گذاری محدود می تواند صرفاً جوابگوی نیازهای آموزشی در چهارچوب EOP باشد و به هیچ عنوان نباید هدف یادگیری در ESP رابه کسب چند مهارت، محدود و خلاصه کرد؛ چراکه مثلاً نیازهای زبانی یک مهندس و یا یک متخصص دریک رشته فنی، محدود به مهارت آموزی و یادگیری یک سری فورمولهای معین برای استفاده در جایگاههای مشخص نمی گردد؛ بلکه به طور یقین نیازهای زبانی چنین فردی بسیار فراتر از اینهاست. از نظر ویدئوسن هدف ESP متمایز و متفاوت از EOP بوده و اصولاً جهت گیری دوره های ESP در راستای ایجاد پتانسیلهای لازم برای حل مسأله، آفرینش معانی و آموزش اصول یادگیری می باشد؛ به طوری که فراگیران بتوانند براحتی در شرایط قابل پیش بینی و غیر قابل پیش بینی با استفاده از توانمندیهای کسب شده، جوابگوی نیازهای آموزشی و حرفه ای خود باشند. تصور ویدئوسن در مورد کلید واژه دوم (کاربرد زبان) چیزی همانند واقعیتهای است که در استفاده از زبان اول اتفاق می افتد. شاید یک مثال موضوع را بهتر

1- learning purpose

2- nature of language use

3- English for occupational purposes

روشن بکند: در تحقیقی توسط فیلن بان<sup>۱</sup> که در کلارک و کلارک<sup>۲</sup> (۱۹۷۷) گزارش شده است، جمله «John dressed and had a bath» را به تعدادی از طریق گوشه‌پخش کردند و معنی آن را خواستند. بیش از ۶۰ درصد افراد شنونده به موقع گزارش معنی آن، ناهنجاری معنایی جمله را به طور خودکار اصلاح و در واقع شکل صحیح آن را گزارش کردند. یعنی شنوندگان جمله، آن را به صورت «John undressed and had a bath» دریافت کرده بودند. در تحلیل این موضوع گفته می‌شود که تجربه یادگیری و استفاده از زبان باعث می‌شود در ذهن فرد چهارچوبهای معنایی سازمان یافته‌ای<sup>۳</sup> در ارتباط با موضوعات مختلف در محیط فرد شکل گیرد و این باعث می‌شود که حتی وقتی مفهومی به شکل غیر منطبق بر واقعیات بیان می‌شود، ذهن فرد با کمک گرفتن از چهارچوبهای معنایی فوق سعی کند آن را با واقعیات تطبیق دهد. در مثال بالا چهارچوب معنایی «دوش گرفتن» و یا «استحمام کردن» به فرد می‌گوید که انسان ابتدا لباس خود را می‌کند و بعد دوش می‌گیرد. حال اگر کسی بگوید «من لباس پوشیدم و دوش گرفتم» این چیزی است که ذهن انسان قاعدتاً نمی‌پذیرد؛ مگر اینکه در بافتهای معنایی و برای منظوره‌های خاصی گفته شده باشد. از نظر ویدنوسن دانش فرد از ابعاد آوایی<sup>۴</sup>، دستوری<sup>۵</sup> و معنایی<sup>۶</sup> زبان، به تنهایی نمی‌تواند رفتارهای زبانی از نوع بالا را تضمین کند و از این رو، آموزش زبان به طور اعم

1- Fillinbun  
3- schemata  
5- syntactic

2- Clark and Clark  
4- Phonological  
6- semantic

و آموزش ESP به طور اخص باید برنامه مشخصی داشته باشد تا فراگیران بتوانند علاوه بر یادگیری سه لایه زبانی فوق، تسلط لازم را به دانش چهارچوبهای معنایی سازمان یافته زبان پیدا کنند که در این صورت کاربران زبان، دچار مشکل در استفاده از زبان برای اهداف ارتباطی نخواهند شد.

هر کدام از دو کلیدواژه مورد اشاره، دربرگیرنده جزئیات و بحثهای ریز فراوانی است که باز کردن آنها در این مختصر نمی گنجد؛ ولی آنچه به اختصار از آنها گفته شد، شاید بتواند تصویری تقریباً واضح از نظریه ویدئوسن را ارائه نماید. اما آنچه در اینجا لازم به نظر می رسد، نحوه عینیت بخشیدن و اجرای این نظریه آرمانی است. یقیناً نقطه آغاز استفاده از این اندیشه برای طراحی مطالب آموزشی، انجام بررسی و تجزیه و تحلیل لازم در مورد نیازهای آموزشی فراگیران خواهد بود. براساس این نیازها و باهدف ایجاد و تقویت پتانسیلهای آموزشی<sup>۱</sup> فراگیران، برنامه درسی مورد نظر تنظیم می گردد. با توجه به این برنامه و با به کارگیری مؤلفه های آوایی، دستوری و معنایی در بافت مهارتهای زبان، مطالب درسی لازم به شکلی تهیه می گردد که از نظر محتوا حداکثر ارتباط را با رشته های تحصیلی مورد نظر داشته باشد و همچنین فراگیران بتوانند بعد از یادگیری مطالب فوق، کاربرد زبان را به شکلی که از نظر ویدئوسن ترسیم شد، محقق سازند.

### تاریخچه و جایگاه آموزش ESP در ایران

قبل از انقلاب فرهنگی، در کشور ما تقریباً هیچ نوع مدیریت متمرکزی برای تهیه و یا نظارت بر تهیه مطالب آموزشی ESP وجود نداشت. اولین فعالیتهای مربوط به این



موضوع توسط نشر دانشگاهی از سال ۱۳۵۹ شروع گردید. این مرکز تازه- تأسیس با استفاده از فرصت تعطیلی دانشگاهها و با هدف ساماندهی وضع نابسامان کتابهای درسی دانشگاهی شروع به فعالیت کرد و یکی از اقدامات قابل توجه آن تهیه درسنامه هایی برای آموزش ESP بود. این درسنامه ها عمدتاً در راستای اهداف آموزشی نسل اول و دوم ESP بودند؛ بدین معنی که درسنامه ها، دربرگیرنده متون تخصصی و نیمه تخصصی بودند و عمده فعالیتهای آموزشی آنها بر محور واژگان و دستور زبان استوار بود. گفتنی است فعالیتهای فوق الذکر مرکز نشر دانشگاهی در اوایل دهه ۱۹۸۰ صورت پذیرفت و این زمانی بود که حتی نسل سوم آموزش ESP در کشورهای پیشرفته به آخر عمر خود رسیده بود و از گوشه و کنار، زمزمه های تحولات جدید برای آغاز نسل چهارم به گوش می رسید. اگر چه این موضوع فاصله بسیار زیادی را بین آنچه در دیگر بخشهای دنیا به وقوع می پیوست و فعالیتهای مربوط به آموزش ESP در ایران را نشان می دهد، ولی به هیچ عنوان از ارزش فعالیتهای صورت گرفته توسط متخصصان امر در این مرحله نمی کاهد؛ چرا که حجم و نوع کارهای انجام گرفته می توانست در آن زمان کاملاً امیدبخش باشد.

در سال ۱۳۶۳ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» (سمت) تأسیس گردید که یکی از عمده فعالیتهای آن تدوین کتابهای ESP دانشگاهها بود. با شروع فعالیت این سازمان، تهیه متون درسی ESP گسترش بسیار چشمگیری پیدا کرد و هم اکنون در پرتوی فعالیتهای این سازمان، تقریباً تمام رشته های تحصیلی دارای کتاب زبان تخصصی می باشند؛ ولی آنچه در این زمینه توجه اهل فن را به خود جلب می کند، این است که در کنار گسترش حجم فعالیتهای تدوین کتابهای درسی ESP، تقریباً هیچ گونه عزمی برای

بهینه سازی و اصلاح کیفیت آموزشی آنها وجود نداشته است و حتی در مورد کتابهای زبان تخصصی برخی رشته های تحصیلی بجرأت می توان گفت که تنزل و افت کیفیت آموزش نسبت به کتابهای تهیه شده در دوره اول نیز مشاهده می شود. بعضی از کتابهای فوق، کاملاً شبیه جزوات آموزشی نسل اول ESP می باشند؛ یعنی یک سری متون نه آنچنان مرتبط به هم وبدون داشتن تمرینات و فعالیتهای آموزشی لازم در کنار هم قرار داده شده وبدین ترتیب مجموعه های آموزشی فوق شکل گرفته اند. پذیرش این واقعیت در زمانی که به طور طبیعی انتظار می رفت دست اندرکاران امر حداقل با الگو گرفتن از کارهای انجام گرفته شده در دیگر کشورهای دنیا گامی به جلو بگذارند، اندکی مشکل می باشد.

در کنار مشکل مطالب درسی نامناسب، آموزش ESP در ایران با چالش بسیار جدی مدیریتی نیز مواجه است. هم اکنون حجم واحدهای درسی ESP شامل سه واحد زبان نیمه تخصصی و تعدادی واحد درسی زبان تخصصی می باشد که حجم آن در رشته های مختلف متغیر است. درس زبان نیمه تخصصی معمولاً توسط مدرسان دارای تحصیلات زبان انگلیسی و دروس زبان تخصصی که معمولاً از حجم بیشتری برخوردار می باشد، توسط اساتید غیر زبانی تدریس می شود. این گونه اساتید علی رغم داشتن تسلط بر موضوعات درسی و حتی در بعضی موارد بر زبان انگلیسی، به علت عدم برخورداری از آموزشهای لازم، اغلب نمی توانند راهکارهای لازم برای تدریس زبان را به کار گیرند و در نتیجه، فرایند تدریس این گونه کلاسها در بهترین شرایط، فراتر از ترجمه انگلیسی به فارسی نمی باشد. از آنجا که اندیشه حاکم بر محافل آموزش ESP در کشور ما تفکر مربوط به نسل اول و دوم ESP می باشد و هنوز تلقی از آموزش آن چیزی فراتر از آشنایی با مجموعه های واژگان تخصصی

و احیاناً خواندن و ترجمه کردن متون تخصصی نمی باشد، عمدتاً تأکید و اصرار بر این است که فارغ التحصیلان رشته آموزش زبان انگلیسی قادر به تدریس واحدهای زبان تخصصی نمی باشند. در این شرایط، برخی مراکز آموزشی که دارای تعداد محدودی اساتید مسلط به زبان انگلیسی می باشند، به روشی که قبلاً اشاره شد، دروس ESP را تدریس می نمایند؛ در حالی که در بیشتر موارد اساتید مشغول به تدریس ESP از حداقل تسلط لازم به زبان انگلیسی برخوردار نیستند و در نتیجه حاصل تلاش فراگیران چیزی فراتر از یادگیری معانی یک سری واژگان تخصصی، آن هم با تلفظهای نادرست نیست.

به عنوان نتیجه گیری بحث حاضر، پیشنهاد می گردد با واگذار کردن امر تهیه و تدوین مطالب درسی ESP به اهل فن که به نظر می رسد در کشور ما نیز کم نیستند، حرکت و سازماندهی جدیدی در این زمینه صورت گیرد. یقیناً اگر این حرکت و سازماندهی با اعتقاد به استقلال ESP به عنوان یک موضوع درسی و با الهام گرفتن از پیشرفتهای به دست آمده در دیگر کشورهای دنیا انجام پذیرد، حاصل آن برکات زیادی برای نهادینه کردن و توسعه مقوله ESP خواهد بود و در نتیجه آن، فارغ التحصیلان دانشگاهی در استفاده بهینه از منابع انگلیسی مربوط و همچنین کسب مهارتهای لازم برای ارائه مقالات در کنفرانسهای بین المللی و شرکت در مباحث مربوطه توانمند خواهند بود. از طرف دیگر واگذار کردن تدریس کلیه دروس ESP به مدرسان دارای تخصص آموزش زبان انگلیسی می تواند گام بسیار مؤثر دیگری در جهت تحقق بخشیدن به اهداف فوق باشد. ممکن است گفته شود که این دسته افراد تسلط لازم را به مفاهیم تخصصی رشته های مختلف ندارند. در جواب باید گفت اگر تخصص ملاک تصمیم گیری می باشد، چگونه تخصص افرادی که تا

درجه دکتری در رشته آموزش زبان انگلیسی تحصیل می کنند و اصولاً یکی از زمینه های اصلی فعالیت آنها تدریس دروس ESP می باشد، نادیده گرفته می شود و این در حالی است که برای چنین افرادی آشنایی با یک سری مفاهیم تخصصی مربوط به چند رشته تحصیلی کار آن چنان سختی به نظر نمی رسد؛ در صورتی که یک فرد متخصص در یک رشته تحصیلی خاص، اگر بخواهد تسلط لازم را برای تدریس صحیح زبان انگلیسی تخصصی به معنی درست آن کسب کند، می باید سالها عمر خود را صرف این مهم نماید.

## منابع انگلیسی

- Clark, H. H. & Clark, E. V. (1977). *Psychology and language*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Halliday, M. A. K. (1973). *Exploration in the functions of language*. London: Edward Arnold.
- Robinson, P. (1991). *ESP today: a practitioner's guide*. New York and London: Prentice Hall International.
- Widdowson, H. G. (1983). *Language purpose and use*. Oxford: Oxford University Press.